



علی اصغر روانه زاده پس از ترک تحصیل
با مهارت آموزی و تلاش، تبدیل به کارخانه دار و کارآفرین شد

۵۴

خودساخته



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

فرهاد زمانی، رکورددار بین المللی بارفیکس چرخشی
مسیر سختی را برای اثبات خودش طی کرد

زندگی دوباره، دور میله بارفیکس

۶



رئیس پلیس راهور منطقه ۱۱
به درخواست مهم اهالی محله شریف پاسخ داد
یک قدم تا پایان
تصادف های دوربرگردان ستاری

۲

نمایشگاه «گردشگری در نقش نقاشان»، تصاویر متفاوتی
از استان را پیش روی مخاطبان قرار داده است
زیبایی های خراسان در قاب هنرمندان بومی

۷



رئیس پلیس راهور منطقه ۱۱
به درخواست مهم اهالی محله شریف پاسخ داد

یک قدم تا پایان تصادف‌های دوربرگردان ستاری

سیرجانی‌ا هر چند روز یک بار، کسبه، باصدای تصادف از مغازه‌های بیرون می‌آیند یا از پشت پنجره به خیابان سرک می‌کشند. به قول یکی از ساکنان، خیلی وقت‌ها هم دیگر به بیرون نگاه نمی‌کنند؛ چون می‌دانند همان صدای همیشگی است. کجا؟ دقیقاً سر دوربرگردانی در بولوار شهید ستاری که نقطه‌ای حادثه خیز شده. سرعت، عامل اصلی این تصادفات است و اهالی محله شریف، هم از برهم خوردن آرامششان ناراضی هستند و هم از میزان تصادفاتی که می‌تواند بالای جان هر شهروندی باشد.



● قول داده شد، عمل نشد

ساعت حدود ۸ صبح است و بولوار تقریباً خلوت است. جز شهروندان پیگیر موضوع و ما عابر پیاده‌ای در مسیر نیست. هرگاه صدای خودرویی که با سرعت ردمی شود یا ترمز ماشینی که قصد دورزدن از دوربرگردان را دارد، سکوت خیابان رامی‌شکند.

زهراترابی که سیزده سالی می‌شود ساکن بولوار شهید ستاری است، می‌گوید: اول که به اینجا آمدم، بچه‌های من کوچک بودند و برای رد شدن از خیابان باید خودم همراهشان می‌بودم. الان هم که بزرگ شده‌اند، باتوجه به سرعت زیاد برخی خودروها و بی‌توجهی‌شان به مسکونی بودن اینجا، این نگرانی هنوز نه برای من، که برای خیلی از مادران و خانواده‌ها وجود دارد. این موضوع بارها پیگیری شد و خواستار احداث سرعت گیر قبل از دوربرگردان این بولوار شدیم، اما متأسفانه فقط قول پیگیری داده شد و در عمل هیچ اتفاقی نیفتاد.

ترابی ادامه می‌دهد: این بولوار خیلی خلوت است. همین خلوتی باعث شده است خودروهایی که از سمت میدان ستاری یا بولوار شهید قانع می‌آیند، سرعتشان زیاد باشد. حالا اگر راننده‌ای



قصد دورزدن از دوربرگردان را داشته باشد، باکم شدن سرعت یا ایستادنش، ماشین پشت سر به شدت با آن برخورد می‌کند. ترابی با بیان اینکه صدای ترمزهای شدید که گاه منجر به تصادف می‌شود، برای ساکنان منازل نزدیک به دوربرگردان هاطبیعی شده است، ادامه می‌دهد: به‌طور میانگین هر چند روز شاهد یک تصادف در محدوده دوربرگردان نزدیک به شهید ستاری ۴ و ۶ هستیم. آمار این تصادفات را اگر بخواهید، راهنمایی و رانندگی دقیق به شما می‌گوید، چون بعد از هر تصادف، ماشین راهنمایی و رانندگی در محل حاضر می‌شود.

● استشهاده نامه هم نوشتیم

علیرضا عباسپور، یکی دیگر از ساکنان محله شریف، با اشاره به دبستان پسرانه‌ای که نزدیک دوربرگردان است، می‌گوید: به دلیل تردد امن دانش‌آموزان هم که شده، احداث سرعت گیر یا نصب سرعت‌کاه پلاستیکی و حتی خط‌کشی عابرپیاده در محدوده مدرسه، ضرورت دارد. وی به تردد خودروهایی با سرعت بیشتر از ۱۰۰ کیلومتر اشاره می‌کند که این بولوار خلوت را برای حرکات نمایشی انتخاب می‌کنند و می‌گویند: در محدوده بولوار معلم، نمایشگاه‌های خودرویی است که گاه خریدارها برای سنجش سلامت و سرعت ماشینی که می‌خواهند بخرند، این بولوار را انتخاب می‌کنند.

او هم از تصادفات مکرر خودرویی نزدیک دوربرگردان می‌گوید و یک خودرو ۲۰۶ که سال گذشته به دلیل سرعت زیاد و تعادل نداشتن در دوربرگردان چپ کرد. عباسپور در ادامه با اشاره به تماس‌های بی‌پاسخی که با ۱۳۷ شهرداری برای درخواست احداث سرعت گیر یا نصب سرعت‌کاه داشته است، می‌گوید: با وجود تماس‌های مکرر با ۱۳۷، هیچ اقدامی صورت نگرفته است؛ بنابراین جمعی از اهالی اقدام به تهیه استشهاده نامه‌ای کرده‌اند تا شاید متولیان امر به آن پاسخ دهند.

● عرض کم معبر سواره، عاملی برای تصادف

علی باد مستانی، یکی از کسبه محله و همسایه دبستان پسرانه عدل، هم با تأکید به ضرورت خط‌کشی عابر پیاده در مقابل مدرسه می‌گوید: عرض معبر سواره در این بولوار بسیار کم است، به طوری که فضایی که برای فضای سبز و بولوار و پیاده‌روهای دو طرف منظور شده، سه برابر فضایی است که برای مسیر سواره در نظر گرفته شده است. حالا پارک حاشیه‌ای خودرو هم که باشد، معبر را باریک‌تر می‌کند و سرعت زیاد خودروها بدون شک حادثه‌ساز است.

او نصب سرعت‌کاه را برای کاهش تصادفات و کنترل سرعت خودروها مؤثر می‌داند و می‌گوید: چون خودروهایی که در این بولوار تردد دارند، از دو خیابان اصلی شهید قانع و شهید ستاری می‌آیند، با همان سرعتی که در خیابان اصلی تردد دارند، وارد بولوار می‌شوند. حالا اگر خودرویی در همان زمان قصد دورزدن داشته باشد، به سبب عرض کم معبر سواره، برخورد صورت می‌گیرد و تصادف اتفاق می‌افتد.

● در صورت تأیید کارشناس اقدام می‌شود

معاون فنی و اجرایی منطقه ۱۱ در پاسخ به این گلایه‌های مردمی با تأکید بر فرهنگ سازی برای رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی گفت: درباره نصب سرعت گیر در محدوده دوربرگردان بولوار شهید ستاری لازم است رانندگان بنابر آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها، در راستای حفظ ایمنی خود و شهروندان حق تقدم را رعایت و با سرعت مطمئن رانندگی کنند.

مهدی دانشمند در ادامه با بیان اینکه هر عمل خلافی از سوی رانندگان دلیل بر ایجاد و نصب سرعت گیر یا جانمایی علائم راهنمایی و رانندگی نیست، افزود: به منظور پاسخ‌گویی به این مطالبه ساکنان محترم بولوار شهید ستاری، از محل بازدید و این درخواست، کارشناسی می‌شود.

دانشمند در پایان با بیان اینکه باتوجه به درخواست کتبی ساکنان محله اقدامات مقتضی انجام خواهد شد، گفت: البته عملی شدن خواسته اهالی بولوار شهید ستاری منوط به تأیید و ارائه طرحی از سوی سازمان ترافیک به منظور احداث و جانمایی سرعت گیر و خط عابر پیاده در مقابل مدرسه، همچنین اختصاص اعتبار است.

● حضور پلیس راهور در دوربرگردان حادثه خیز

در ادامه روند تهیه این گزارش، رئیس پلیس راهور منطقه ۱۱ همراه خبرنگار شهرآرامش در محل دوربرگردان حادثه خیز حاضر شد. سید رضا حسینی پس از بررسی کارشناسی، به ضرورت احداث سرعت‌کاه یا نصب سرعت گیر و خط‌کشی عابر پیاده مقابل دبستان عدل تأکید کرد و گفت: باتوجه به شرایط مسیر و خطراتی که وجود دارد، اقدام ترافیکی بازدارنده به منظور ایمن سازی دوربرگردان در دستور کار قرار می‌گیرد.

سرهنگ حسینی افزود: طی ۱۰ روز آینده، مکاتبات لازم را با شهرداری منطقه ۱۱ انجام خواهیم داد تا به این خواسته اهالی پاسخ داده شود.

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

۱۲



● اداي احترام مردم به شهدای گمنام

هفته گذشته، دختر و پسر، پیر و جوان، اهالی جاهد شهر و مسئولان گرد هم آمدند تا به مقام شهدای تدفین شده در میدان آزادگان (نمایشگاه) اداي احترام کنند.

این حضور مردمی به مناسبت هفته دفاع مقدس و از سوی ناحیه مقاومت بسیج یاسر تدارک دیده شده بود تا در این ایام، یاد و خاطره ایثار و فداکاری شهدای وطن گرامی داشته شود.

در این مراسم، علاوه بر خاطره‌گویی مختصر رزمندگان دوران دفاع مقدس و خانواده شهدا، دختران گروه سرود ریحانه بهشتی چند سرود ملی و حماسی را اجرا کردند.

میدان آزادگان یا همان نمایشگاه سابق، مزین به قبور دوشهید گمنام دوران دفاع مقدس است.



● گردشگری در توس ضرب گرفت

بهشتی آغاز هفته گردشگری، فرصتی شد تا مسئولان و مردم در آرامگاه فردوسی گرد هم آیند و به استقبال مراسم این ایام بروند. «ضربانگ هفته گردشگری» برنامه‌ای بود که متناسب با حال و هوای آرامگاه و آیین‌های سنتی توس تدارک دیده شده بود، از نقالی خوانی گرفته تا شاهنامه خوانی و اجرای نمایش حماسی. در این برنامه که مدیران حوزه گردشگری و میراث فرهنگی از همه استان‌ها در آن حاضر بودند، علاوه بر معرفی ظرفیت‌های پرشمار میراثی در توس و آرامگاه فردوسی، نقشه راه گردشگری استان خراسان رضوی برای سال‌های آینده معرفی شد. در پایان این مراسم، مردم و مسئولان به صورت گروهی از ظرفیت‌های توس و آرامگاه بازدید کردند.

● دختران فردوسی، پاسداران ایثار

دختران دبیرستان انوار، در هفته دفاع مقدس با هنر و سلیقه خودشان، به فضاآرایی با حال و هوای جبهه پرداختند و مراسم محلی زیبایی برای این ایام تدارک دیدند.

این برنامه در مدرسه محله فردوسی و با مشارکت هیئت دختران زینبی برپا شد و در آن، علاوه بر دانش‌آموزان و معلمان، اهالی محله به ویژه خانواده شهدا هم حاضر بودند.

بخش عمده این مراسم، به ابتکار و همت خود دانش‌آموزان طراحی و اجرا شد. نقالی، اجرای سرود، روایتگری دوران دفاع مقدس، خاطره‌گویی اعزام از محله فردوسی به جبهه و معرفی دستاوردهای دفاع مقدس از جمله بخش‌های این برنامه بود.



● مهربانی اهالی الهیه به وقت مهر

هم‌زمان با بازگشایی مدارس، تعدادی از اهالی محله الهیه دست به دست هم دادند و با تهیه بسته‌های نوشت افزار، دانش‌آموزان نیازمندان را خوشحال کردند.

این طرح محلی به همت فعالان محلی و اهالی مسجد امام رضا (ع) رقم خورد و به فراهم کردن ۲۵ بسته کمک تحصیلی منجر شد.

این بسته‌ها که شامل کوله پشتی، دفتر، قلم، خودکار، مداد رنگی و جامدادی است، در میان بچه‌های مدارس الهیه توزیع شد.



آزادسازی اراضی کشاورزی حریم شهر

با هدف صیانت از حریم شهر و محیط زیست، هفت هکتار از اراضی کشاورزی که تغییر کاربری داده بودند، آزادسازی شد. این اقدام در پی دستور مقام قضایی و به همت اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۱۲ اجرایی شد. به این ترتیب حدود ۴ هزار متر طول دیوار کشی اراضی حریم شهر تخریب شد.

پاییز پر نبال دانش آموزان منطقه ما

نیروهای اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۲، در روزهای اخیر با کاشت نهال در اطراف مدارس، حضور دوباره دانش‌آموزان در مدارس را گرامی داشته‌اند. این اقدام باغبانان منطقه ۱۲ با هدف زیباسازی و سرسبزی فضای پیرامونی مدارس اجرایی شده است. با این اقدام، ۱۵۰ نهال از گونه‌های مقاوم و کم‌آب در اطراف سی مدرسه منطقه ۱۲ کاشته شد.

«عزیزیه» در مسیر آسفالت

پروژه زیرسازی و آسفالت خیابان عزیزیه در محله امیریه شروع شد. به همت اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲، از ابتدای این هفته، هم‌سطح‌سازی این خیابان به طول دو کیلومتر آغاز شده است. پس از تکمیل زیرسازی، در سه هفته پیش‌رو، جدول‌گذاری و آسفالت این مسیر اجرایی خواهد شد.



۱۲

فاطمه شوشتری | نخستین زمین تخصصی ورزش‌های هیجانی چرخ پایه دار با نام پامپ ترک (Pump Track) در بوستان صادقیه منطقه ۱۲ به بهره‌برداری رسید.

شهردار منطقه ۱۲ با اعلام این خبر گفت: این زمین تخصصی در بولوار صادقیه ۲۰ نخستین زمین ورزش‌های هیجانی در مشهد است.

آن‌طور که مهدی خداشناس تصریح کرد، زمین تخصصی ورزش‌های هیجانی بوستان صادقیه هزار متر مربع وسعت دارد و برای آماده‌سازی آن بیش از یک میلیارد تومان اعتبار هزینه شده است. او در توضیح رویکرد راه‌اندازی چنین فضاهای نوین ورزشی در منطقه ۱۲ گفت: هفتاد درصد جمعیت این منطقه، جوان است و تاکنون تلاش شده در حوزه ورزش خواست آن‌ها هم دیده شود و این بار سراغ ورزش‌های نوین و هیجانی رفته‌ایم.

طبق گفته‌های او به دنبال آسیب‌شناسی صورت گرفته در بوستان صادقیه که با معضلاتی همچون سگ‌گردانی درگیر است و ضرورت توسعه فضاهای جمعی در آن دیده می‌شود، بخشی از این بوستان تبدیل به زمین تخصصی ورزش‌های چرخ پایه دار شد.

خداشناس افزود: مجموع این اقدامات با هدف ایجاد فضای خانوادگی در پارک، اجرایی شده است.



خبر خوش شهردار منطقه ۱۲ برای ورزشکاران

افتتاح نخستین

زمین ورزش

هیجانی مشهد

۱۲

علی اصغر روانه زاده پس از ترک تحصیل
با مهارت آموزی و تلاش، تبدیل به کارخانه دار و کارآفرین شد

خود ساخته



به کار بگیرد. حالا هشتاد نفر مستقیم و پانجاه نفر غیرمستقیم در تولید لباس شویی و دستگاه کره گیر سطلی برای اودر کارخانه اش در محله فردوسی کار می کنند. برای نوشتن از زندگی او که مثال عیان از فرش به عرش رسیدن است، ساعتی در کارخانه اش، میان آن همه ذوق کار کارگزارهایش نشستیم و او هم از ناامیدی روزهای رفوزه شدن مدرسه گفت که تبدیل به امیدش کرد.

ماشین لباس شویی و کره گیر سطلی در آن تولید و روانه بازار می شود؛ محصولی که بانوآوری های او بازار خوبی در کشور پیدا کرده و باعث شده است در زمینه تولید، گاهی جوابگوی میزان تقاضاها نباشد. حاج آقا علی اصغر روانه زاده از همان روزی که یقین آورد خدا هست و می تواند زندگی اش را عوض کند، با فکر بکرش زندگی افراد بسیار دیگری را تغییر داد. او با عرقی که به زادگاهش توس دارد، کارخانه اش را در همین محدوده تأسیس کرد و شرطی برای خودش گذاشت. اینکه جوانان بولوار شاهنامه را در این کارخانه

فاطمه شوشتری یک روز همه چیز پیش چشم حاج آقا «روانه زاده» تغییر کرد و بایک جرعه، زندگی اش زیرورو شد. با همین جرعه، او که از ناتوانی در تحصیل سر از گوسفندداری درآورده بود، به یک کارخانه دار تبدیل شد که حالا ۱۲۰ نفر برایش کار می کنند. فکری که آن روز از پشت شیشه اتوبوس به ذهنش رسید، مشابه نقشه گنجی بود که او سال های آن نشست و هر روز با ایده و خلاقیت خودش تکمیلش کرد. حاصل فکر آن سال ها و تلاش شبانه روزی اش حالا کارخانه بزرگی شده است که هر روز صد هادستگاه

آخر، مدرسه اخراج کرد

می گوید: حتما قضا و قدر بود که نتوانم درس بخوانم و بروم دنبال چوپانی و گله داری. حاج علی اصغر روانه زاده، بیراه هم نمی گوید و ما چرا را چنین برایشان شرح می دهد: پدرم کشاورز اسفندیان بود. در روستا مدرسه نداشتیم و سال ۱۳۵۱ برای کلاس اول اسمم را در همان مدرسه ای که داخل آرامگاه فردوسی بود، نوشت. هر روز از روستا راهی مدرسه آرامگاه می شدم و تا کلاس چهارم همه پایه ها را قبول شدم. بعد از آن هر پایه را دوبار خواندم. یعنی پنجم، اول راهنمایی و دوم راهنمایی را. در کلاس سوم راهنمایی کلاز مدرسه اخراج شدم. پدرم دید توان درس خواندن ندارم، برایم گوسفند خرید. حاج رمضان علی، آن روزها برای پسر نو جوانش صد گوسفند خرید و او را فرستاد پای گله داری و چوپانی. آن طور که روانه زاده می گوید، در کوه و دشت اسفندیان گله داری می کرد تا دو سال بعد از سربازی.

همه چیز از سفر با اتوبوس شروع شد

اینکه می گویند علاقه ها همیشه در گوشه و کنار وجود آدم ها جا خوش می کنند تا سربزنگاه و در یک فرصت مناسب، خودشان را به صاحبان نشان نشان دهند، نمونه اش در یک اتوبوس بین شهری برای حاج آقا روانه زاده اتفاق افتاد. اومی گوید: آن زمان مثل الان نبود که هر کس یک ماشین زیرپا داشته باشد. یک روز که با اتوبوس از شاهنامه به سمت مشهد می رفتم، نزدیک سه راه دانش، از پشت شیشه اتوبوس چشمم به تابلو مغازه تعمیرات لوازم خانگی افتاد. همان جا گفتم عجب کاری! بار و حیات من چقدر جور است. آن زمان درست است که در درس موفق نبودم، اما تا دلالتان بخواهد، سراز کارهای فنی درمی آوردم. بلافاصله پیاده شدم و رفتم سراغ مغازه دار آن تارا هنمایی بگیرم. البته که مغازه دار تا متوجه علاقه من به کارهای فنی شد، با حالت ترش کرده، راهنمایی نکرد و چیز جالبی از این کار نگفت. دوباره سوار اتوبوس شدم و خودم را رساندم سنا باد. از چند مغازه پرس و جو کردم و متوجه شدم ظرف شش ماه تا یک سال می توانم باشاگردی، بلد این کار بشوم. بی اش را گرفتم و در مغازه «سرویس شهر ما» که آن زمان در راسته سنا باد مخصوص تعمیرات لوازم خانگی دایر شده بود، شاگردی را شروع کردم. هر روز خودم را با اتوبوس از فردوسی به سنا باد می رساندم و آن قدر علاقه مند به این کار بودم که یک سال نشده برای خودم استاد شدم. او با همین مهارت سال ۱۳۶۸ اولین مغازه خودش را در بولوار شاهنامه تأسیس کرد و چون در این محدوده و روستاهای اطرافش هیچ مغازه تعمیرات لوازم خانگی نبود، به عنوان اولین مغازه دار این حرفه، خیلی زود بازارش سکه شد. آن طور که خودش روایت می کند، برای تعمیرات آن قدر سرش شلوغ بود که شب ها تا ۱۰ شب در مغازه می ماند و حتی جمعه ها کار می کرد.

برای اینکه ماشین لباس شویی هایم
پر قدرت تر از نمونه های دیگر بشوند،
تا ساعت یک شب در کارخانه
می ماندم و پس از تغییرات،
دستگاه ها را تست می کردم.

می گوید: هنوز چند هفته نگذشته بود که دوباره سفارش ۱۰ دستگاه دیگر گرفتم. دیگر به جایی رسید که مغازه کوچک خودم کفاف این تولید را نمی داد. مغازه کناری را هم اجاره کردم و اختصاص دادم به تولید لباس شویی. سال ۱۳۷۵ آن قدر سفارش ساخت لباس شویی تولیدی خودش زیاد شده بود که فرصت و وقت تعمیر لوازم خانگی را نداشت. این شد که مغازه تعمیرات لوازم خانگی را جمع کرد و هر دو مغازه اش را در شاهنامه ۶۱ اختصاص داد به تولید ماشین لباس شویی سطلی.

تغییرات لباس شویی ها، سفارش ها را زیاد کرد

بدون شک خلاقیت حاج آقا علی اصغر روانه زاده بوده که او را از تعمیرکاری به اوج کارش در این روزها در کارخانه رسانده است؛ خلاقیتی که به قول خودش، شبانه روز برایش زحمت کشیده و عرق ریخته است؛ برای اینکه ماشین لباس شویی هایم پر قدرت تر از نمونه های دیگر بشوند، تا ساعت یک شب در کارخانه می ماندم و پس از تغییرات، دستگاه ها را تست می کردم. ساعت ها پتومی انداختم داخلشان تا ببینم چطور

می شویند و میزان تولید گرما و مصرفشان چطور است. اومی گوید: سفارش های زیاد بود و بولوار شاهنامه، جایی برای تولید بیشتر نداشتم. در چاهشک در زمین اجاره ای کارم را توسعه دادم و چون از ضعف ماشین های لباس شویی سر درمی آوردم، تصمیم گرفتم ماشین های لباس شویی ام را پر قدرت تر کنم؛ مثلاً ماشین لباس شویی های اتومات با قانون گریز از مرکز کار می کنند که برای شست و شوی بهتر باید تغییر می کردند. با طراحی خودم در موتور لباس شویی هایک تسمه را تبدیل به دو تسمه کردم و دو فلکه را به سه فلکه تغییر دادم. این تغییر تبدیل به قدرت می شود و هنگام شست و شوی فشار کمتری به موتور دستگاه می آورد. در قطعات همچون شفت هم تغییراتی دادم و آن را به شکل جان دار و مقاوم تر تولید کردم تا لباس ها داخل لباس شویی بهتر چنگ بخورند. با این خلاقیت ها ماشین های لباس شویی سطلی ساختم که لباس را چرک مردمی کنند و تمیز می شویند. حالا او لباس شویی های سطلی خودش را از اندازه کوچک که با نام کهنه شور برای نوزادان ساخته می شود تا اندازه بزرگ که ویژه شست و شوی پتو و رویشی و پرده است، در کارخانه اش تولید می کند که حاصلش کارآفرینی برای ۱۳۰ نفر از اهالی بولوار شاهنامه است.

اولین لباس شویی ام را با موتور کولر ساختم

جرعه راه اندازی کارخانه لباس شویی از همین مغازه کوچک در بولوار شاهنامه در ذهنش زده شد؛ حاج آقا روانه زاده با گریزی به آن سال ها می گوید: گاه لباس شویی هایی که برای تعمیرات می آوردند، خیلی خراب و داغان بود. مثلاً به جز خرابی موتور، بدنه زنگ زده و خورده شده بود. بعد از سه چهار سال خودم نشستم و طراحی کردم که چطور برای آن ها بدنه تولید کنم. طبق محاسبات خودم به کابینت ساز سفارش بدنه دادم و برای این ماشین لباس شویی های تعمیراتی، بدنه نوو جدید انداختم. بعد از مدتی به ذهنم رسید موتورشان را هم به جای تعمیر نو کنم. با همین فکر در همان مغازه کوچک، شروع کردم به تولید لباس شویی سطلی با موتور کولر و بدنه ای که کابینت ساز برایم می ساخت؛ البته که موتور کولر ها آن زمان خلاف امروز، خیلی پر قدرت بود. به این ترتیب روانه زاده، سفارش ساخت ۱۰ بدنه را داد و ۱۰ موتور هم خرید و لباس شویی ها را راه انداخت. این ماشین های لباس شویی را به آشنا و فامیل فروخت. ماشین ها آن قدر خوب کار می کردند و لباس می شستند که دوباره سفارش ۱۰ ماشین لباس شویی جدید گرفت.

گفت وگو کنیم و خودم برایش درباره محصول و تغییراتش توضیح بدهم تا اعتماد کند. برای عکاسی بهتر از محصولات، از اینجالباس شویی و کولر را که الان دیگر فضایی برای تولیدش ندارم، باری زدم و می بردم میدان قائم (۳)، روبه روی موج های آبی و... که فضای سبز خوبی برای عکاسی داشت. محصولات را مرتب می چیدم و عکس می گرفتم. باز دوباره آن ها را بار می زدم و به کارخانه برمی گرداندم. بعد از مدتی بازارم در شهرستان ها قدرت گرفت.

او که سال ها خودش گله دار بوده و از کار و زحمت آن با خبر است، بعد از راه اندازی کارخانه تولید لباس شویی، تصمیم گرفت خط تولید دستگاه کره گیر را هم راه بیندازد؛ دستگاهی برقی که جایگزین روش های دستی قدیم برای تبدیل ماست به دوغ و کره است. او می گوید: روش کارم و تولید دستگاه کره گیر و لباس شویی یکی است؛ به همین دلیل خط تولید آن را هم راه انداختم و روانه بازار کردم و چون با قیمت خیلی کم و مناسب عرضه کردم، استقبال خوبی از آن شد و در حال حاضر، سی درصد تولید ما همین دستگاه های کره گیر یا تلمبه است که اهالی روستاها استفاده می کنند. او حتی در ساخت همین دستگاه هم خلاقیت به خرج داده و با دیدن نمونه تایوانی، تلمبه ای تولید کرده است که از دستگاه های دیگر جمع و جورتر است و چون اندازه اش کوچک است، جای کمتری می گیرد.

کارخانه می آیند و در بخش های مختلف مشغول به کار می شوند. پنجاه نفر هم که بیشترشان از اهالی همین محدوده هستند، کار تزریق پلاستیک، تراش قطعات، رنگ پودری و... را بر ایمان در خارج از کارخانه انجام می دهند. او می افزاید: الان هم دوست دارم کارخانه را که واقعا فضای تولیدش کم است و همین مسئله، دست ما را در صادرات بسته، توسعه بدهم و خدا شاهده است که نیتم درآمد بیشتر نیست؛ بلکه دستگیری بیشتر از جوانان این محل است تا از بیکاری نجات پیدا کنند. همیشه هم می گویم خدا یا شکرت که توفیق دادی تا سفره ای پهن کنم که از کنار آن ۱۳۰ خانواده روزی بخورند.

تلاشمان بی جواب نماند

حاج آقاروانه زاده درگوشی اش، عکس هایی از اولین تولیداتش نشانمان می دهد؛ عکس هایی که در مکان های مختلف مشهد گرفته شده است و می گوید: روزهای اول خودم هم مثل کارگرها بیم پای تولید می ایستادم. از طرف دیگر بازار بایی می کردم و به شهرستان ها می رفتم تا با مشتری از نزدیک

دنبال کارآفرینی بودم، نه درآمد

حاج آقاروانه زاده وقتی بازارش در این کار گرفت، متوجه شد درآمد و پول آن چیزی نیست که راضی اش کند. با همین دغدغه و سر مشکلاتی هم که برای محل تولید داشت، تصمیم گرفت کارخانه بزرگ تری در اسفندیان، محل تولد خودش، دایر کند و امکان اشتغال جوانان آنجا را هم فراهم کند. او سال ۱۳۹۲ اولین ساختمان کارخانه تولید لباس شویی سطلی را در هزارمتر از زمین های این محل دایر کرد؛ کارخانه ای که امروز به ۵ هزار متر وسعت یافته است.

روانه زاده که همچنان در بولوار شاهنامه زندگی می کند و شیفته خاک فردوسی است، از این علاقه چنین می گوید: من و همسر من هیچ وقت دوست نداشته ایم از این محدوده برویم. همه علاقه مان در کار و زندگی برای این محله بوده است. وقتی کارخانه را در زمین های پدری ام ساختم، از جوانان این محدوده دعوت به کار کردم. حالا هر روز هشتاد نفر از بولوار شاهنامه و اطراف آن به

درس عبرت دیوار قدیمی توس

آقای روانه زاده دیوار قدیمی توس را که مقابل در ورودی کارخانه اش است، نشانمان می دهد و می گوید: هر روز که نگاهم به این دیوار می افتد، با خودم می گویم وجود این دیوار قدیمی، درس عبرتی است برای ما که بدانیم امروز هستیم و فردا نیستیم. پس باید خیلی حواسمان به آنچه ذخیره آخرتمان می کنیم، باشد. از سر همین اعتقاد، رضایت کارگر و مشتری برایم اهمیت دارد. دوست ندارم ناراضی پشتم باشد و رونق و وضعیت امروزم را هم حاصل برکت همین رضایت می دانم؛ اعتباری که با توکل بر خدا نصیب شده است.



توفیقی که خدایم دهد

حاج علی اصغر روانه زاده این روزها با همراهی پسرش جواد که در نبود او، کارخانه و کارگرها را راه می برد، فراغ بال بیشتری پیدا کرده است تا به آنچه برای دستگیری

از نیازمندان همیشه در دلش بود، برسد. خودش چندان تمایلی به گفتن قدم های خیری که از درآمد همین کارخانه برمی دارد، ندارد، اما مردم محله فردوسی به نیکویی از او یاد می کنند؛ از قدمی که برای بازسازی دبیرستان فردوسی برداشته است، می گویند، از هزینه ای که برای چند مسجد محله برعهده گرفته است، و از پول هایی که برای تأمین خرج و مخارج چند خانواده نیازمند اسفندیان باروی گشاده می پردازد، حرف به میان می آورند. با اصرار مان، خودش به چند بیمار سرطانی و قلبی که تحت پوشش او هستند، اشاره می کند و می گوید که توفیق این دستگیری را، خدا به او بخشیده است؛ لذتی که حالش را کنار کار خوب می کند.





راه تجربه

فرهاد زمانی، رکورددار بین‌المللی بارفیکس چرخشی، مسیر سختی را برای اثبات خودش طی کرد

زندگی دوباره، دور میله بارفیکس



فاطمه سیرجانی ابویستان ملت مثل همیشه شلوغ و پررفت و آمد است و در مسیر ورزشی ضلع شرقی، تعدادی شهروند دور جوانی حلقه زده‌اند. لباسی سبزی و شلوار کرم رنگی به تن دارد. سمت دستگاه بارفیکس چرخشی می‌رود و پای چرخش پای راست شروع به چرخیدن می‌کند. درست مثل بزرگی که نرم در هوای چرخد تا بر زمین بنشیند. اما در کمتر از ۱۰ ثانیه چنان سرعتی می‌گیرد که دیگر نه صورتی می‌بینی و نه تشخیص پا و دست امکان پذیر است؛ چیزی شبیه پنکه سقفی یا پره‌های بالگرد که به دور تند افتاده است.

۲۲۳ چرخش در یک دقیقه، رکوردی است که آذر سال گذشته، فرهاد زمانی، ورزشکار محله زیبا شهر، موفق به ثبت بین‌المللی آن شده است و اگر جنگ دوازده روزه اتفاق نمی‌افتاد، شاید رکورد سرعت چرخش بارفیکس چرخشی به نام این جوان ورزشکار محله زیبا شهر در گینس به ثبت می‌رسید و آوازه‌اش جهانی می‌شد.



کرد، طوری که هر صبح با تکه‌ای نان و پنیر و زیراندازی راهی پارک ملت می‌شد برای تمرین حرکات رزمی و کار با دستگاه بارفیکس چرخشی. اجرای حرکات نمایشی و جمعیتی که وقت اجرا دوش حلقه می‌زدند، تشویقی شد برای ادامه راه. برای او که به دلیل بیماری ناخواسته از حلقه دوستان و آشنایان بیرون آمده بود، توجه و تشویق کسانی که برای ورزش به بوستان ملت می‌آمدند، نورامیدی شد برای ادامه مسیر ورزشی که انتخاب کرده بود. اوج این انگیزه بخشی وقتی بود که از گروه ورزشی صدا و سیما استانی به سراغ او آمدند و با او گفت و گو کردند.

تشویق و دیده شدن هادر دل فرهاد، نورامیدی شد تا به ثبت رکورد فکر کند. او از طریق دوستان ورزشی که در باشگاه‌های رزمی دارد، برای ثبت رکورد اقدام کرد و درخواستش را به فدراسیون ورزش‌های همگانی ارائه داد.

● همه چیز از ۱۵ سالگی شروع شد

وقتی با آقا فرهاد گفت و گوراشروع می‌کنیم، آرام و قرار ندارد برای بیان ناگفته‌هایش. هیجان در گفتار و رفتار مشهود است. تعریف می‌کند که کودکی را با ورزش به بزرگی رسانده و ژیمناستیک، کشتی آزاد و کونگ فو را تجربه کرده است. اما در نهایت روی یک حرکت ثابت ماند و همه تمرکزش شد حرکات نمایشی با سرعتی حیرت‌انگیز روی دستگاه بارفیکس چرخشی.

پانزده سال بیشتر نداشت که در ورزش صبحگاهی بوستان ملت هر روز مرد میان سالی رامی‌دید که از حلقه‌ای، آویزان است و به دور خودش می‌چرخد. او که از کودکی به دنبال حرکات نمایشی هیجانی بود، بعد از رفتن مرد، به سراغ دستگاهی که حتی نامش را نمی‌دانست، رفت و شروع به چرخش کرد. می‌چرخید و می‌چرخید بی آنکه بداند قرار است سال‌ها بعد در رشته‌ای به نام بارفیکس چرخشی، رکوردشکنی بین‌المللی باشد.

● ورزش، راهی برای مبارزه با «تورت»

ابتدای گفت و گو همه چیز روال عادی دارد. صحبت که به درازا می‌کشد، دور صحبت‌های فرهاد هم تند و تندتر می‌شود، طوری که گاه متوجه حرف‌ها و جملات نمی‌شویم. فرهاد به بیماری سندروم تورت دچار است.

سندروم تورت یا بیماری تیک، نوعی اختلال عصبی است که با حرکات تکراری، ناگهانی و سریع یا صداهایی ناخواسته که به آن هاتیک نیز گفته می‌شود، تشخیص داده می‌شود. او همین وضعیت جسمانی را عامل دیده نشدنش در ورزش می‌داند و پناه بردنش به تنهایی. فرهاد که از کودکی در مدرسه و خانه به بیش فعالی شناخته می‌شد در سیزده سالگی متوجه تفاوتش با هم‌سن‌وسال‌ها شد، اما او از همان زمان عزمش را جزم کرد با رفتن به سمت ورزش و تخلیه هیجانات با تمرین‌های سخت ورزشی، بیماری‌اش را تا می‌تواند، کنترل کند.

● دوست داشتیم وارد دنیای سینما شویم

فرهاد زمانی، دیپلم گرافیک را که از هنرستان گرفت، چند ترمی در دانشگاه همین رشته را به امید ورود به دنیای سینما ادامه داد. مدتی در تئاتر شهر مجتمع فرهنگی امام رضا (ع) بوستان ملت دوره‌های هنری را گذراند و در چند نمایش هم دستیاری کارگردان به او سپرده شد، اما بیماری و بی‌اطلاعی دیگران از شرایط خاص او و نگاه رفتارهای خاص، فرهاد را گوشه‌گیر و منزوی

● با جنگ از ثبت رکورد جا ماندیم

زمستان سال گذشته، فرهاد برای ثبت رکورد در بارفیکس دورانی اعلام آمادگی کرد. روز دقیقش را یادش نیست، اما سرمای هوا را خوب یادش است و جمعیتی که از سرکنجکاوای به تماشا آمده بودند و یک آمبولانس.

او تعریف می‌کند: آن روز روی فرم نبودم. حس می‌کردم بدنم آمادگی لازم را ندارد. بعد چند بار تغییر برنامه رکوردزنی از طرف فدراسیون ورزش‌های همگانی، درست روزی برنامه جور شد که من آمادگی چندانی نداشتم. با همان وضعیت در یک دقیقه توانستم ۲۲۳ دور بزنم، این در حالی بود که سه برابر این تعداد را در شرایط عادی رکورد زده بودم. وقتی موفق شدم گواهی نامه ثبت رکورد ملی را با ۲۲۳ دور در دقیقه به دست بیاورم، رکوردی که تا آن روز کسی نزده بود، بیشتر درباره رکوردزنی در سطح جهانی تحقیق کردم و تصمیم به ثبت رکورد در گینس گرفتم. همه برنامه‌ها را چیده بودم و حامی مالی هم پیدا شده بود، اما درست زمانی که در مسیر تهران برای انجام کارهای سفر خارج از کشور بودیم، خبر حمله رژیم صهیونیستی رسید و از ثبت در گینس جا ماندیم.

● بازدید میلیونی پست‌های مجازی

فرهاد تا همین چند وقت قبل با دنیای مجازی ارتباط چندانی نداشت، تا اینکه به توصیه دوستی تصمیم گرفت صفحه‌ای در فضای مجازی داشته باشد و حرکات نمایشی‌اش را برای علاقه‌مندان به این رشته پست کند و تجربیاتش را درباره این ورزش به اشتراک بگذارد.

او در حالی که پستی را نشان ما می‌دهد که بازدید میلیونی داشته است، می‌گوید: این تعداد لایک و کامنت نشان از علاقه جوان‌ها به ورزش به خصوص ورزش‌های هیجانی دارد. او از مسئولان و دست‌اندرکاران ورزش‌های همگانی و فدراسیون‌های ورزشی می‌خواهد امکانات ورزشی را برای نوجوانان و جوانان فراهم کنند و از کسانی که بارکوردزنی، سعی در ثبت رکوردشان در گینس دارند، حمایت کنند. چون با هر ثبت رکورد در گینس، پرچم ایران بالا می‌رود و اقتدار ایرانی به نمایش گذاشته می‌شود.



نمایشگاه «گردشگری در نقش نقاشان»، تصاویر متفاوتی از استان را پیش روی مخاطبان قرار داده است

زیبایی های خراسان در قاب هنرمندان بومی

بهشتی ایکی از تصاویر ما را به طبیعت می برد و تماشای قابی دیگر ذهنمان را درگیر زیبایی های آفرینش می کند، یک نقاشی تصویری تاریخی و کهن را پیش چشم ما قرار می دهد و اثری دیگر، چشمان ما را به گوشه ای از خراسان خیره می کند. هرچه در این فضا هست، زیبایی است و هنر؛ هنر پیشکسوتان نقاشی خراسان که توجه هر مخاطبی را به خود جلب می کند.

این روزها نمایشگاه «گردشگری در نقش نقاشان» در نگارخانه مجموعه فرهنگی تاریخی فردوسی برپاست. آثار این نمایشگاه با موضوع زیبایی ها و مناطق تفریحی، زیارتی و گردشگری خراسان رضوی برگزیده شده و به نمایش درآمده است که توجه بازدیدکنندگان از آرامگاه فردوسی را هم به خود جلب کرده است.

● جذابیت نمایشگاه برای زائر و مجاور

اعضای مجموعه فرهنگی تاریخی فردوسی با تمرکز بر اجرای برنامه های مختلف در هفته گردشگری، این نمایشگاه را تدارک دیده اند تا خراسان بزرگ را در فضای نگارخانه ای به نمایش درآورند. به کارگیری تکنیک های مختلف در خلق آثار این نمایشگاه، باعث شده که بازدیدکنندگان با تمرکز بیشتر و گاهی با تعجب به آثار نگاه کنند. ژیل مشوقی مسافری از استان یزد است که مقابل نقاشی اکریلیک

روستای کنگ ایستاده است. او می گوید: من شناخت عمیقی از نقاشی ندارم ولی واقعا جذب این کار شدم. هم به واسطه اینکه نمی دانستم در اطراف مشهد نیز چنین روستای پلکانی ای وجود دارد و هم اینکه این نقاشی سبک جالبی دارد و زیبایی فضا را دوچندان کرده است.

نقاشی های دیگر هم پراز نقش و نگار زیبایی است. از اثر دره ارغوان گرفته تا نقاشی کاخ خورشید کلات. نام نقاشان زیادی هم همراه با شناسنامه هنری آن ها در گوشه و کنار نمایشگاه به چشم می خورد؛ از جمله مرحوم قدیر صباغیان، حسین طالبی، عباس جاویدان، رضا حمیدی، فرید شریعت، حبیبه حکمی، مهری برنجیان، مجتبی اعلم، علی خاوری خراسانی، ماریا آقاپور.



النادر که با آثار زیبایی خود به این نمایشگاه صفاداده اند. در میان افراد بازدیدکننده با سؤال و پرس و جو به یک مشهدی می رسیم. ایرج قاسمیان می گوید: واقعا برای من که اهل خود خراسان هستم، دیدن این نقاشی ها جالب بود و لذت بردم. در طول بازدید حس کردم که به لحاظ روحی و برای شناخت خراسان، دوست دارم این مکان های زیبا را ببینم.

● خراسان بزرگ در نگارخانه فردوسی

مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی فردوسی با اشاره به ظرفیت های غنی گردشگری در سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی اضافه می کند: این نمایشگاه، تلاش می کند آثار ارزشمند نقاشان پیشکسوت استان خراسان رضوی را در قالب جلوه هایی از زیبایی های فرهنگی و گردشگری این دیار از نگاه هنرمندان نقاش به نمایش بگذارد.

رضا یوسفی ادامه می دهد: در این نمایشگاه تعداد ۸۸ اثر از ۲۲ هنرمند نقاش استان برای بازدید عموم به نمایش گذاشته شده است و هنرمندان نقاش در این نمایشگاه با تکنیک های رنگ روغن، آبرنگ، اکریلیک و ویترا، گوشه ای از جلوه های زیبای گردشگری و طبیعت استان خراسان رضوی را به نمایش گذاشته اند. نمایشگاه «گردشگری در نقش نقاشان» که از ۵ مهر آغاز شده، تا ۱۲ مهر، هر روز ساعت ۸ صبح تا ۸ عصر در نگارخانه مجموعه فرهنگی تاریخی فردوسی میزبان بازدیدکنندگان است.

دانش آموز رشته شبکه و نرم افزار محله دانشجوی
از اتفاق خوب زندگی هنری اش می گوید

نامی در تیتراژ برنامه سراسری

امید محله

اگرچه پول چندانی نداشت، تجربه خوبی بود.

● از تدوین فیلم های خاطره ای داری؟

بله، تدوین فیلم مسابقه «تماس» که از شبکه افق به من سفارش شده بود، هم زمان شد با امتحانات پایان ترم و شرایط سختی بود، اما چون فرصت خوبی بود، تصمیم گرفتم کار را قبول کنم. با وقت کمی که برای تدوین داشتم و باید به موقع برای پخش آماده می شد، لایه لای درس و امتحانات کار را انجام دادم. این اولین پروژه جدی من بود و آمدن اسمم به عنوان تدوینگر روی آنتن سراسری برایم بسیار خوشحال کننده بود.

● رشته شبکه و نرم افزار چه سختی ها هنر دارد؟

یکی از امتیازات هنرستان سمپاد امیرکبیر این است که دانش آموزانش تک بعدی نیستند و وقتشان فقط در یک رشته و به درس خواندن نمی گذرد. اینجا با دادن فضا و حمایت، فرصت پرورش استعداد های دیگر برای دانش آموزان فراهم است. با این شرایط و حمایت ها سال گذشته در مرحله استانی و امسال مستند فیلم بلند من با نام «صدا، دوربین، زندگی» در مرحله استانی، سپس کشوری، برگزیده شد.

● سناریوی فیلم چه بود؟

در بازدید رئیس سازمان بهزیستی کشور از مجموعه توان یابان، خانم نابینا و معلولی از آز روی بازیگری و تلاش برای رسیدن به این خواسته اش گفت و این شد سوره فیلمم. این فیلم به درخواست سازمان بهزیستی ساخته شد و من به برتری و موفقیت این کار ابرامان داشتم.

● به جز کامپیوتر و تدوین، تفریح و سرگرمی دیگری هم داری؟

بله. به دوچرخه سواری علاقه زیادی دارم و یکی از تفریحات من، رکاب زنی تایلاقات و وقت گذراندن با دوستانم است.

سه سال آینده به جایی می رسند که توانا هستند. آنجا به من تأکید کردند اگر در هنرستان تیزهوشان امیرکبیر پذیرفته می شوم، تردید نکنم.

● رزومه هنری که ارائه دادی، چه بود؟

تدوین چند فیلم و سریال و ساخت تیزر های تبلیغاتی از جمله تدوین مستند مسابقه «تماس» که از شبکه افق پخش شد؛ همچنین تدوین آئونس سریالی که قرار است از شبکه ۳ پخش شود.

● برای تدوینگری دوره خاصی را گذراندی؟

با شیوع بیماری کرونا و آنلاین شدن کلاس ها تصمیم گرفتم از طریق فضای مجازی تدوینگری را آموزش ببینم. حضور پدرم بسیار کمک کننده بود و خیلی از سؤالاتم را پاسخ می داد. همان زمان در کنار آموزش دیدن، کارهایی به من سفارش شد که

فاطمه سیرجانی از کودکی یاسر صحنه تئاتر و فیلم برداری بوده یا مشغول تمرین تئاتر. پس موفقیت و درخشش در عرصه هنر و ورودش به دنیای هنرمندان، دور از ذهن نیست. سروش فرهادی نیادانش آموز هنرستان سمپاد امیرکبیر است که امسال با ساخت مستند و کسب ستاره، نامش در فهرست برگزیدگان کشوری در رقابت دانش آموزی ساخت فیلم بلند قرار گرفت و به افتخاراتش افزود. دانش آموز سال یازدهم رشته شبکه و نرم افزار با آنکه هفده سال بیشتر ندارد، ساخت تیزر های تبلیغی و تدوین فیلم کوتاه برای شبکه های سراسری صدا و سیما را در کارنامه هنری خود دارد.

● چه شد از دنیای هنر و فیلم

سردآوردی؟

در خانواده ای به دنیا آمدم که با هنر بیگانه نبودم. پدرم از اواخر دهه ۶۰ وارد کارهای هنری و ساخت فیلم و برنامه های صدا و سیما شد و او که معلم هم بود، در مسیر هنری من، نقش معناداری ایفا کرده است. از وقتی یاد می آید، کنار پدرم در پشت صحنه فیلم یا تهیه تیزر های تبلیغاتی حضور داشتم.

● سروش علاقه مند به دنیای هنر

و سینما چطور برای ادامه تحصیل، رشته کامپیوتر را انتخاب کرد؟

اول سراغ هنرستان رفتم، اما بعد از ارائه رزومه هنری، به من گفته شد دانش آموزان این هنرستان





برای پیوستن به کانال شهرآرامحله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد بالا را اسکن کنید



مرکز فرهنگی هنری شماره ۶ کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان یازده سال قبل در این
خیابان راه‌اندازی شد. این مجموعه که اکنون
دوره‌های هنری مختلفی برای بچه‌های محله
ترتیب می‌دهد، زمینه رشد دختران و پسرانی را
در حوزه تئاتر و خطاطی در این سال‌ها فراهم
کرده است.

هفده سال قبل، بلوک‌های مجتمع مسکونی
پانصد واحدی اما میه، به عنوان اولین بناها در
زمین‌های خالی این معبر ساخته شد. این مجموعه
حالا یکی از گُلنی‌های این محله شناخته می‌شود و
علاوه بر فضای مسکونی، هشت واحد تجاری هم در
خود جای داده است.



۱۷ سال سکونت، ۵ سال آبادی

بهشتی‌امی توان گفت جزو معدود معابر محدوده الهیه است که امکانات آن به موازات ساخت و سازها
پیشرفت کرده است. خیابان سجادیه ۳۵ که از یک سو به امیریه ۲۴ می‌رسد، معبری است که دسترسی‌های
لازم برای ساکنانش فراهم شده است. این معبر فرعی که در محله الهیه واقع شده، پراز مجتمع‌های
مسکونی تراکم بالا است. شاید به واسطه همین جمعیت است که مدرسه و بازار و همه امکاناتش در
همین پنج سال اخیر فراهم شده است.

۱۲

سجادیه ۳۵
محله الهیه



با ساخت مراکز آموزشی، فضای سبز و پارک‌ها
بازارها تنه‌ها مطالبه‌های سجادیه ۳۵ سامان‌دهی
زمین‌های بایر بخشی از معبر است. دیوارهای
متخلفان ساختمانی این اراضی در ماه‌های اخیر
تخریب شده و گوشه و کنارش فضایی امن برای
تردد معتمدان متجهر شده است.

دبستان شاهد پسرانه علی اصغر عباس‌زاده
سال ۱۴۰۰ احداث شد و حالا در دوره‌های اول و دوم
دانش‌آموز دارد. دانش‌آموزان این مدرسه در سه
سال اخیر از ورود به مدارس نمونه تا موفقیت در
جشنواره‌های قرآن، جابر بن حیان، خوارزمی و...
افتخار آفرین بوده‌اند.



بوستان بدون نام خیابان سجادیه ۳۵ در سال ۱۳۹۵
ساخته شد؛ بوستانی محلی با مساحت ۲ هزار مترمربع
که حالا درختانش روی هم سایه انداخته‌اند و پاتوق
بازی کودکان محله و دورهم‌نشستن بزرگ‌ترهای
محله شده است.